



یادداشت

رد لایحه همسان‌سازی سرآغاز دور تازه‌ای از حمله به حقوق زحمتکشان است

صادق کار



لایحه دائمی شدن همسان‌سازی حقوق بازنشستگان که اخیراً برای تصویب از طرف دولت روحانی برای نمایندگان مجلس ارسال شده بود، با مخالفت "الیاس نادران" رئیس کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۰ مجلس رو به رو شد. الیاس نادران دلیل مخالفت خود با لایحه دولت را تورم‌زا بودن همسان‌سازی و ایجاد تعهد مالی برای دولت اعلام کرد. حسن شریعتمداری نماینده خامنه‌ای در روزنامه کیهان نیز که خودش را نخود هر آشی بنا به یک عادت دیرینه میکند و رهبر جمهوری اسلامی هم گویا جواز مصونیت دائمی برای او جهت این دخالتها صادر کرده است، در یادداشتی که در روزنامه کیهان منتشر کرد با دلایل مشابه رئیس کمیسیون تلفیق بودجه با تصویب لایحه همسان‌سازی به مخالفت پرداخت. این مخالفتها آنهم توسط کسانی که قبلاً از همسان‌سازی دفاع و دولت روحانی را بخاطر تعلل در پذیرفتن آن مورد حمله قرار می‌دادند، به نظر عده‌ای از نزدیکان روحانی ظاهراً عجیب و غیر قابل انتظار بوده است. آنها این دو را به دورنگی متهم کرده‌اند. با این اوصاف این رفتار وقیحانه دو تن از مدعیان زبان دراز و بی‌حیای عدالتخواهی حتی برای آنهایی که این دو تن را به دورنگی متهم کرده‌اند، به هیچ وجه عجیب و غریب نیست. از اول هم روشن بود که آنها اعتقادی به این مسائل ندارند و مخالفتشان با بی‌عدالتی‌های دولت نئولیبرالها موقتی، ابزاری و رقابتی بوده است.

مخالفت این دو به بهانه ایجاد تعهد مالی و تورم نیز بهانه‌ای بیش نیست. چرا که بنا به گفته کارشناسان اقتصادی و سیاسی نقش افزایش دستمزد همه کارگران نیز نقش چندانی در افزایش تورم ندارد، تا چه برسد افزودن چندرغاز به حقوق‌های بازنشستگان. تعهد مالی برای دولت نیز ایجاد نمی‌کند. بودجه آن قرار بوده از بابت بازپرداخت بخش کوچکی از بدهی‌های دولت به صندوق تأمین اجتماعی تأمین شود. از اینها گذشته اگر اجرای همسان‌سازی باعث تورم و تعهد مالی برای دولت می‌شود، و این آقایان نگران آن هستند، چرا در گذشته که اجرای آن به عهده دولت روحانی بود، این حرفها را نمی‌زدند؟ قضیه اما این است که این آقایان پس از گرفتن دولت از دست رقبای



شان، دارند روی واقعی خودشان را چنین عجولانه رو می کنند. و این تازه گام اول آنهاست در این مسیر. اما چند رنگتر از اینها آن کسانی هستند که در انتصابات اخیر تمام امکانات شان را در خدمت حمایت از رئیسی قرار دادند و سعی زیادی هم بکار بردند تا کارگران را هم به دنبال خودشان بکشانند! که البته یخ روی سنگ شدند.

با وجود مخالفت این دو چهره شاخص طرفدار دولت رئیسی، تصویب این لایحه عملاً منتفی به نظر می رسد. مگر اینکه بازنشستگان با گسترده تر کردن مبارزات شان اینها را نیز به مانند دولت روحانی وادار به تجدید نظر در تصمیم شان کنند.

دولت روحانی که خود از اساس مخالف همسان سازی حقوق بازنشستگان بویژه بازنشستگان تامین اجتماعی بود و در نهایت نیز هم آن را در اثر شدت مبارزات بازنشستگان بطور نصفه نیمه و با دست اندازی به صندوق تامین اجتماعی و در واقع از حساب صندوق بازنشستگی خود کارگران اجرا کرد، موافق دائمی کردن همسان سازی هم نبود. بهمین جهت از ارسال لایحه به مجلس تا هفته های پایانی دولت خود پرهیز کرد. اما به سیاق ضرب المثل معروف، که می گوید، "زدی ضربتی، ضربتی نوش کن" چون می دانست دولت و مجلس جدید داوطلبانه مثل خود او و مجلس قبلی حاضر به تصویب این لایحه نمی شوند، در پایان کار دولت خود آن را به مجلس فرستاد تا هم حمایت ظاهری آنها در همسان سازی را رو و تلافی کند و هم دست اندازی سر راه حریف قرار دهد.

هر گاه مردم توانسته اند امتیازی از دولتمردان به دست آورند نتیجه مبارزات مستقلانه خودشان بوده است. اجرای نصفه و نیمه همسان سازی نیز نه از کرم نداشته دولت لیبرالی روحانی، بل که نتیجه مبارزات فشرده خود بازنشستگان و تحت هدایت تشکلهای مستقل خود آنها حاصل شده است. با این وجود اما با افتادن کنترل همه نهادهای قدرت به دست محافظه کاران افراطی، آنها به رغم ادعا ها و وعده های در ظاهر عدالتخواهانه پیشین شان و آن همه اشک تمساح ریختن برای معیشت خراب مردم و خالی شدن سفره های مردم از طعام، حالا که رقیب را به حاشیه قدرت رانده اند، همان دست آوردهای مبارزات کارگران و بی چیز شدگان و همین همسان سازی نصفه نیمه را نیز حاضر نیستند بپذیرند.

رد لایحه همسان سازی در واقع به منزله از میان برداشتن آن در آینده نزدیک است. البته اقداماتی که آنها قصد دارند انجام دهند، تنها شامل از بین بردن همسان سازی نمی شود، آنها قصد دارند ته مانده حقوق کارگران را که حکومت در اثر مبارزه زحمتکشان موفق به از بین بردن آنها نشده را بکلی از ریشه بر کنند و همان مناسبات ارتجاعی استاد شاگردی را جایگزین آنها نمایند. برای درک قضیه لازم نیست به گذشته خیلی دور برگشت. کافی است نگاهی به طرح های اتاق بازرگانی در چند ماه گذشته و بحث های سازمانهای کارفرمایی و دنبالچه های آنها هنگام تعیین دستمزد توسط شورای عالی کار و استقبال اتاق بازرگانی از صحبت های رئیسی در نخستین جلسه انتخاباتی وی که توسط اتاق بازرگانی و سازمانهای کارفرمایی ترتیب داده شد ببندازیم.

نکته قابل تامل دیگر بدهی ۴۰۰ هزار میلیاردی دولت به صندوق تامین اجتماعی است که قرار بود بودجه همسان سازی از طریق پرداخت بخشی از بدهی های دولت تامین شود. به نظر می رسد دولت جدید نیز مانند دولت روحانی برای دارایی صندوق تامین اجتماعی کیسه دوخته و نه تنها قصد دادن بدهی های خود به صندوق تامین اجتماعی را ندارد بلکه حاضر هم نیست بخشی از آن را صرف بهبود وضعیت ناهنجار صاحبان واقعی صندوق کند. قطعاً دست اندازی به سرمایه های تامین اجتماعی و سوء استفاده از آن در دولت رئیسی نیز ادامه و ممکن



است افزایش پیدا کند. مخالفت با تصویب لایحه همسان سازی از این زاویه نیز قابل تامل است. دولت رئیسی حتما روی استفاده از صندوق مالی تامین اجتماعی برای تامین بخشی از کسری بودجه حساب باز کرده و مجلس نیز با تصویب نکردن لایحه همسان سازی راه را برای سوء استفاده دولت از آن فراهم می کند. بهمین جهت دور از انتظار نیست که وضعیت مالی تامین اجتماعی وخیمتر از گذشته و ارائه خدمات به اعضای تحت پوشش تامین اجتماعی کاهش و سهم اعضای صندوق از هزینه دارو و درمان نیز افزایش پیدا کند. کاهش سهم حق بیمه کارفرمایان یکی از خواسته های کارفرمایان بوده که تا کنون عملی نشده است. به احتمال زیاد دولت رئیسی و مجلس با آن موافقت خواهند کرد. در صورت تصویب این درخواست بخش قابل توجهی از منبع درآمد اش را از دست خواهد داد. نا گفته پیداست که تاوان آن را بازنشستگان و کارگران باید بپردازند. بنا بر این سرنوشت بودجه بیمه تکمیلی نیز که قرار بود تامین اجتماعی بخشی از آن را پرداخت کند در ابهام می ماند. نتیجه این اقدامات قطعا به بیشتر شدن هزینه های بازنشستگان و بدتر شدن وضعیت معیشتی شان خواهد شد. در مورد شاغلین نیز همین فرایند با اجرای طرحهایی مانند، امحاء حداقل دستمزد، منطقه ای کردن و منجمد کردن دستمزدها، سپردن اختیار بیمه کارگران به کارفرمایان و گسترش مناطق آزاد تجاری و آزاد سازی قیمتها... دنبال خواهد شد. با این همه اجرای هر کدام از این طرحها بستگی به واکنش مردم خواهد داشت. سطح کنونی مبارزات مردمی و مجموع شرایط کنونی به نظر نمی رسد به محافظه کاران مسلط بر ارکانهای اصلی قدرت فرصت انجام اقدامات و برنامه هایی را که به بدتر شدن وضعیت آنها منجر بشود بدهند. تمرکز قدرت در دست محافظه کاران لزوما تضمینی برای اجرای برنامه های آنها ایجاد نمی کند.



به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!



تجربه تعاونی موندراگون بخش پنجم

خابیر باراندياران و خاوير لزاون



3. ساختار سازمانی - ادامه

همگی تعاونیهای متشکل در گروه موندراگون، علاوه بر تبعیت از معماری (ارشیکتور) استاندارد حاکم بر گروه، از یک سری ویژگیهای ساختاری برخوردار اند. شاید چشمگیرترین آنها تعهد پرداخت حقوق منصفانه است، که امروزه نسبت دیفرانسیل آن ۱ به ۹ است. تعاونیها همچنین مدل مدیریتی واحدی را اعمال می کنند که مدل مدیریت مشارکتی موندراگون نامیده می شود. این مدل، اصول کانونی تجربه موندراگون را به تفصیل مدون کرده و معیارهایی را برای طراحی روندهای مدیریتی در سازمانهای مختلفی که گروه موندراگون را تشکیل داده اند، عرضه کرده است.

تا اواخر دهه ۸۰ قرن گذشته تعاونیهای بر پایه جغرافیائی، و در برخی موارد نادر مبتنی بر قرابتهای تاریخی یا فرهنگی، گروهبندی شده بودند. یک کارکرد اساسی حاکم بر موندراگون، اگرچه غیررسمی، توسط بازوی مالی آن در گروه جا افتاده است و آن اقدام مؤثر این بازوی مالی به عنوان واحد هماهنگ کننده گروه به عنوان یک کل است. در سال ۱۹۹۱ سیستم مناسبات بین تعاونیها در واحد جدیدی به نام مجتمع تعاونی موندراگون رسمیت یافت. عضویت در مجتمع تعاونی انتخاب داوطلبانه هر تعاونی منفرد بود و هست. در زمان تأسیس این واحد، بیش از ۱۰۰ تعاونی به آن پیوستند. این تعاونیها در سه بخش بزرگ گروهبندی شدند: مالی، تولید و توزیع. بعدها بخش چهارمی نیز به این بخشها افزوده شد: بخش دانش (شامل تحقیق، آموزش و خدمات حرفه ای). در سال ۲۰۰۸ نام مجتمع از مجتمع تعاونی موندراگون به مجتمع موندراگون تغییر داده شد.

مجتمع نامبرده برای هماهنگی عملیات گروه موندراگون یک سری ارگانهای مدیریتی فوق تعاونی و بین تعاونی را ایجاد کرده است. کنگره تعاونیها، عالیترین ارگان تصمیم گیرنده گروه موندراگون به عنوان یک کل است. این ارگان معمولاً هر چهار سال یکبار تشکیل می شود، اما کمیته دائمی، شورای کل یا ۱۵ درصد از کارگران عضو



مجتمع می توانند خواهان برگزاری کنگره فوق العاده شوند. هیئتهای نمایندگی اعضای به کنگره، که شامل ۶۵۰ هیئت می شوند، توسط اعضای تمام اتحادیه ها انتخاب می شوند.

کمیته دائمی مجتمع بر اجرای سیاستهای مصوب کنگره نظارت دارد. اعضای این کمیته توسط کنگره انتخاب نمی شوند، بلکه توسط ۴ "شورای بخش" - شورای ۴ گروه بندی پیشگفته - انتخاب می شوند. خود این شوراها از اعضای شورای حکام شرکتها می اند که در بخش مربوطه عضویت دارند. هر یک از ۴ بخش (مالی، تولید، توزیع و دانش) یک هیئت نمایندگی در کمیته دائمی دارد، که تعداد آن متناسب تعداد اعضای است که آن بخش در کل اعضای مجتمع دارد.

شورای کل مجتمع ارگان اجرایی گروه تعاونیهاست. این شورا متشکل از دبیرکل شورا و ۴ معاون دبیرکل است. هر یک از معاونان یکی از بخشهای گروه را نمایندگی می کند. از پس از ایجاد مجتمع تعاونی موندراگون مباحثه زنده ای در باره تمرکز قدرت در ارگانهای اجرایی مجتمع جریان داشته است. شورای کل، و به ویژه معاونان دبیرکل دارای اختیارات وسیع و چنان سطحی از دسترسی به اطلاعات عملیاتی دارند، که پس گرفتن حساب از آنان و رسیدگی به تصمیمات آنان را برای کنگره، و به طریق اولی برای مجامع عمومی تعاونیهای منفرد، دشوار می کند. تذکر این نکته نیز مهم است که ارگان نظیر شورای اجتماعی تعاونیهای منفرد، در سطح مجتمع وجود ندارد. بسیاری از تحقیقات بر تمرکز مدیریتی شدید در ساختارهای مدیریت فوق تعاونی و فقدان یک قدرت متعادل کننده، غیر از کنگره کم تحرک، که قادر باشد تفاسیر متفاوتی از رسالت و سمتگیری استراتژیک گروه به کرسی بنشانند، تأکید کرده اند.

از پس از تأسیس مجتمع تعاونیهای موندراگون در سال ۱۹۹۱، بعضی از تعاونیها راه جدائی از گروه را انتخاب کرده اند و در مسیری مستقل و خودویژه گام نهاده اند. در سال ۲۰۰۸ نیز دو تا از تعاونیهای بزرگ و موفق گروه - ایریزار (Irizar)، متخصص ساخت بدنه اتوبوس، و آ.ام.پ.او. (AMPO)، متخصص ساخت فولاد ضد زنگ و ریخته گری آلیاژ بالا - تصمیم گرفتند از گروه جدا شوند. ترک گروه و بازگشت به آن رویداد نادر و نامعمولی نیست. مثلاً او.ال.ام.آ. (ULMA) که به نوبه خود گروه تعاونی بزرگی است، در سال ۱۹۹۳ موندراگون را ترک کرد و پس از حدود ده سال، یعنی در سال ۲۰۰۲، دو باره به آن پیوست. این تغییرات در ترکیب جنبش تعاونی موندراگون بسادگی بیانگر این واقعیت اند که تعاونیهای منفرد، از طریق مجمع عمومی مربوطه شان، اساس بازیگران کاملاً مستقلی در گروه باقی می مانند.

چسبی که تعاونیها را به هم می چسباند، سوای عضویت رسمی آنها در گروه موندراگون، همانا تعهد آنها، و نیز اتکای آنها، به یک سری مکانیسمهای همبستگی بین شرکتی است. این مکانیسمها شامل اقلام زیر اند:

- سیستم مشترکی برای تأمین اجتماعی است، که توسط مجتمع تعاونی لاگون-آرو (Lagun-Aro) مدیریت می شود (طبق قوانین اسپانیا مشاغل شرکتهای تعاونی "خود اشتغالی" یا "خویش فرمائی" محسوب می شوند و بنابراین مشمول حمایت قانونی ایام بیکاری و سایر اشکال حمایت دولتی کارگران مزدی نمی شوند)؛
- دسترسی به اعتبارات بانک تعاونی؛
- و مهمتر از همه مکانیسمهایی که سود و تعهدات را در درون گروه تعاونیها بازتوزیع می کنند.



وقتی شرکتها به تعاونی می پیوندند، توافق می کنند که درصدی از سودشان را، که در بخشهای مختلف متفاوت است، به صندوق بین تعاونی واریز کنند. این صندوق به به هنگام بحران به حمایت از شرکتها دست می زند و امکانات حرفه ای را برای ارتقاء کارگران فراهم می آورد. تعاونیها همچنین متعهد می شوند که برای کارگران شرکتهائی که دست به "اندازه گاهی" می زنند، کار ایجاد کنند. این جنبه از سیستم موندراگون به نحو بارزی از اثرات بحرانهای اقتصادی در سطح کل اشتغال می کاهد.

در مجموع باید گفت که ترسیم موندراگون به طریقی سراسر است و تک وجهی ممکن نیست. مناسبات بین شرکتهای منفرد و گروه تعاونیها همیشه پیچیده همراه با تعادلی دینامیک بوده، که مستلزم رویکرد ویژه به هر تعاونی و تغییر مناسبات به فراخور زمان است. تورنبول سیستم موندراگون را به عنوان "نمونه ای حاکمیت شبکه در عمل" توصیف کرده است. این توصیف کوتاه مناسبی برای چیزی اساساً متعادل و در تحول دائمی است. به علاوه این واقعیت که اکثریت بزرگ تعاونیها در منطقه جغرافیائی کوچکی در مجاورت هم قرار دارند، به این معناست که شبکه های رسمی همواره با به شبکه های پر تاروپودی از مناسبات شخصی و خانوادگی پوشیده شده اند که رنگ و بوی خاصی را به زندگی سازمانی تعاونیها و روندهای مدیریتی در آنها می بخشند.



بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



کارگران شورای اسلامی و تشکل دولتی نمی خواهند، اتحادیه مستقل می خواهند!

صادق



شورای سازماندهی اعتراضات کارگران شرکتهای پیمانکاری فعال در صنعت نفت در بیانیه شماره ۷ خود که در ۲۲ تیر متن آن منتشر شد در کنار مسائل مهم مرتبط با اعتصاب و عقب نشینی تعدادی از کارفرمایان در مقابل کارگران اعتصابی، اشاره‌ای هم به تاثیر نداشتن تشکل سراسری و موقعیت پراکنده شرکتهای از لحاظ جغرافیایی و دشواری‌های که این نقصان سر راه هماهنگی کارگران شرکت کننده در اعتصاب داشته است نموده که نکته قابل تاملی است و جا دارد در پی راه حلی برای آن بود.

در بیانیه شماره ۷ گفته می‌شود: "دوستان! همه میدانیم که مراکز نفتی گسترده و پراکنده است. هر کدام از این مراکز در دست پیمانکاران متعددی است. و بدلیل محرومیت از یک تشکل سراسری تعیین نمایندگان سراسری و قراردادهای سراسری در حال حاضر امری مشکل است. باید پله پله زمینه‌های آنرا بسازیم".

همانطور که به صراحت در این بخش از بیانیه آمده نداشتن تشکل سراسری کار هماهنگی و سازماندهی مذاکرات دسته جمعی با کارفرمایان را دشوار نموده است و همین نقصان ممکن است از طرف کارفرمایان و دولت مورد سوءاستفاده قرار بگیرد.

یک روز بعد از انتشار بیانیه شماره ۷ شورای سازماندهی اعتراضات، سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار یک بیانیه حمایتی از اعتصابیون به کارگران نفت پیشنهاد تشکیل سندیکا در شرکتهای پیمانکاری را داد. این پیشنهاد احتمالاً بعنوان راه حل جهت رفع مشکل هماهنگی از طرف این سندیکا ارائه شده است و پیشنهاد درستی است. تشکیل سندیکا به کارگران امکان می‌دهد که هماهنگی بین خودشان بوجود آورند و بطور دمکراتیک در مورد مسائل شان تصمیم بگیرند. با این اوصاف اما تشکیل سندیکا زمان بر است و در شرایط حاضر کمکی به رفع مشکل کارگرانی که نیاز عاجل به هماهنگی دارند نمی‌کند. انتخاب یک یا چند نماینده به تناسب تعداد کارگران هر شرکت برای ایجاد هماهنگی با شورای سازماندهی شاید راه کار مناسبتری در مقطع کنونی باشد. اما



به صورت هیچ ساختار دیگری کارآیی سندیکا را ندارد. بنا بر این تشکیل سندیکا در چشم انداز بلند مدت تر لازم است مورد توجه قرار گیرد.

شورای سازماندهی تا همین جا با وجود نبود تشکل سراسری کار بزرگ و ارزشمندی کرده که توانسته است کارگران دهها موسسه پراکنده و جدا افتاده از هم را در مناطق مختلف به اعتصاب راضی کند و چنین اعتصابی را که نظیرش در ۴ دهه گذشته دیده نشده سازمان دهد و پایداری و استواری شرکت کنندگان در اعتصاب را به مدت ۲۵ روز حفظ کند و کارفرمایان و دولت را به عقب نشینی های معینی وادار نماید. اما همانطور که در بیانیه ی آنها هم قید گردیده ساختار شورای سازماندهی پاسخگوی همه نیازهای اعتصابیون نیست و همین نقصان کار مذاکره دسته جمعی به نمایندگی از طرف همه اعتصابیون با دولت و با کارفرمایان را دشوار و هماهنگی بر سر مذاکره و مطالبات را دشوار تر می کند.

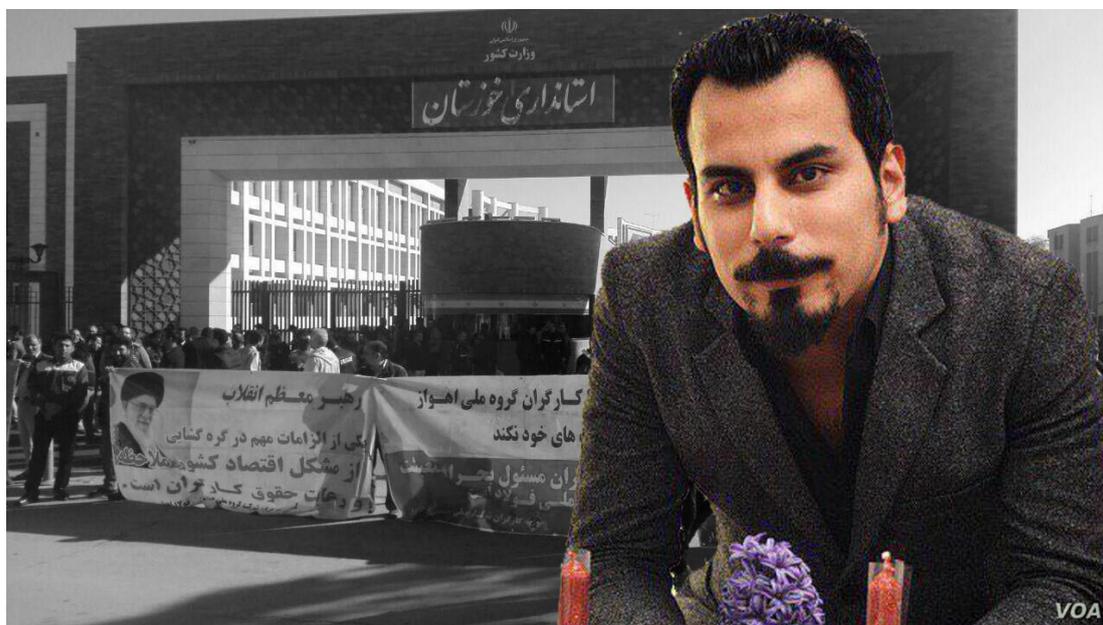
تشکل یک وسیله و ظرف سازماندهی است و لاجرم بایستی ساختاری داشته باشد که هم جوابگوی نیازهای مبارزاتی کارگران باشد هم دمکراتیک. یعنی مهم عنوان و اسم نیست، ساختار و دمکراتیک بودن آن است که اهمیت دارد. جنبشهای کارگری ساختارهای تشکیلاتی مختلفی را تا کنون تجربه کرده اند تا به اتحادیه های امروزی رسیده اند. اتحادیه های کارگری نیز ممکن است کمبودهایی داشته و داشته باشند، اما بهر حال تا کنون هیچ تشکل دیگری نتوانسته جای آنها را پر کند درست بهمین خاطر است که هنوز اتحادیه ها در سطح وسیع به حیات و فعالیت شان ادامه می دهند. در ایران نیز سنت اتحادیه ای در دورانی که اتحادیه ها فرصت فعالیت داشته اند غالب بوده است و اتحادیه ها توانسته اند کمک شایانی در بهبود سطح زندگی و حقوق کارگران بنمایند.

آری تشکل سراسری مستقل یک نیاز عاجل است. نبود آن همانطور که در بیانیه ی شورای سازماندهی اعتراضات هم آمده است سازماندهی اعتصاب و هم چنین دفاع سازمان یافته و موثر از مطالبات و حقوق کارگران و مذاکره دسته جمعی با کارفرمایان و دولت و ایجاد هماهنگی در اعتراضات کارگری را دشوار می کند. کارگران اگر تشکل مستقل پایدار و کارآ و دمکراتیک نداشته باشند دیگران برای آنها به میل مقتضای منافع خود تشکل و نماینده درست می کنند.

باز کردن میدان برای تشکیل شوراهای اسلامی دولتی توسط وابستگان به رئیسی در هفته های اخیر و وعده دادن اجازه تشکیل تشکلهای کارگری در مناطقی که کارگران در اعتصاب هستند، توسط مدیران وزارت کار، از نشانه های بارز اینگونه تلاشها جهت ساختن تشکل و تراشیدن نماینده های قلابی برای کارگران و پر کردن خلاء تشکلهای کارگری واقعی است. قانون شوراهای اسلامی کار تشکیل شوراهای اسلامی کار در واحدهای بزرگ صنعتی را منوط به تصویب آن توسط دولت کرده است. حال با توجه به رشد اعتراضات کارگری به نظر می رسد دولت برای مقابله با اعتراضات کارگری و تلاشهایی که از طرف فعالین کارگری برای تشکیل نهادهای مستقل سندیکایی در جریان است میدان را برای تشکیل شوراهای توسط خانه کارگری های فرصت طلب دارد باز می کند. بهر صورت این یک بده بستان بین این جریان ارتجاعی و ضد کارگری با دولت ارتجاعی رئیسی است که در ازای حمایت خانه کارگری ها از رئیسی در انتصابات ریاست جمهوری صورت می گیرد. این خلاء را خود کارگران باید با نظر داشت شرایط و سازماندهی سندیکاهای مستقل پر کنند. مقدماتا با شرکت نکردن در جلساتی که برای تشکیل شورای اسلامی تشکیل می دهند، می شود مانع کار آنها شد. کارگرانی که قادر شده اند اعتصاب



سراسری کنونی را با وجود همه موانع رقم بزنند، حتما می توانند نهاد های سندیکایی مستقل خود شان را هم سازمان دهند. مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار نیز بر حق کارگران برای تشکیل اتحادیه و بستن قراردادهای دسته جمعی تاکید دارد. مطابق مقاله نامه های سازمان بین المللی کار شوراهاى اسلامى کار نا مستقل. مشورتى، غير دمکراتىک هستند و قانون ناظر بر تشكيل آنها ناقض اين مقاله نامه ها ست. زیرا که: نماینده کارفرما و ولی فقیه در آنها حضور و نظارت می کنند، وظیفه خود را دفاع از حکومت و انقلاب می دانند، کاندیداهای شرکت در آنها بایستی توسط نمایندگان کارفرما تأیید شوند، دولت حق انحلال آنها را دارد و ماهیت ایدولوژیک دارند. اینها همه مواردی هستند که حقوق سندیکایی کارگران را نقض می کنند.



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



ادامه اعتصاب کارگران صنعت نفت

اعتصاب سراسری کارگران شرکتهای پیمانکاری در این هفته نیز ادامه پیدا کرد و ۲۵ روز خود را پشت سر نهاد. تعداد کارگران شرکتهایی شرکت کننده در آن از ۱۱۰ نیز گذر کرد. همچنین حمایت گروه های کارگری و اشخاص و نهادهای مدنی از این اعتصاب تاریخی و شکوهمند بیشتر و از لحاظ ترکیب اجتماعی متنوعتر شد. سندیکای کارگران شرکت واحد در بیانیه ای که در حمایت از این اعتصاب و مطالبات کارگران اعتصابی در ۲۲ تیر منتشر کرد از کارگران خواست سندیکاهای مستقل خاص خود را در شرکتهای نفتی تشکیل دهند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانکاری نیز در بیانیه شماره ۷ خود با اشاره به پیشنهادات تعدادی از کارفرماها مبنی بر پذیرش افزایش دستمزد و ۱۰ روز مرخصی ماهانه در ازای ۲۰ روز کار موافقت خود را با شروع مذاکره مشروط به اینکه پیشنهاد دوبرابر شدن دستمزد و ۱۰ روز مرخصی مبنای مذاکره برای همه شرکتهای و بصورت قرارداد جمعی باشد اعلام کرد. شورای رهبری اعتصاب در بیانیه خود همچنین پذیرش ۴ خواسته اصلی کارگران را کف خواسته های خود برای مذاکره تعیین کرده است.

کارگران رسمی صنعت نفت به دولت تا پایان تیر مهلت دادند تا افزایش دستمزد شان را عملی کند

کارگران رسمی صنعت نفت در بیانیه ی تازه ای که در ۲۱ تیر خطاب به مسئولین دولتی منتشر کردند به آنها هشدار دادند که اگر در پایان تیر افزایش دستمزدهای شان در لیستهای حقوق منظور نشود، آنها نیز دوباره به اعتراض بر خواهند خواست.

"پایگاه اطلاع رسانی مطالبات کارکنان رسمی صنعت نفت ایران با انتشار اطلاعیه شماره ۲۶ نسبت به برآورده شدن مطالبات خود به مسئولین اولتیماتوم داده است. در این اطلاعیه آمده است

: به همه (منظور از همه: بالا تا پایین مملکت، وزارت، امنیتی، نظارتی، تماشاجی، بوقچی و... به هر آنکس دخیل است یا خود را دخیل می داند، و به هر آنکس که دخیل است اما خود را دخیل نمی داند): حقوق تیرماه کارکنان نفت، آخرین فرصت جبران ۸ سال جفا نسبت بدان هاست، اگر حق خود را گرفتیم که فبها، اما اگر به هر دلیلی، هر جایی، هر کسی یا هر ناکسی باعث شود کارکنان نفت از حقوق و مزایای خود محروم شوند (حتی بمقدار اندک) منتظر حضورمان در میدان باشید".

آغاز دور دیگری از اعتصاب در هفت تپه



در هفدهمین روز اعتصاب کارگران بخش دفع آفات هفت تپه، بقیه کارگران این مجتمع بزرگ نیز از ۲۲ تیرماه در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد و چند مطالبه صنفی دیگر مبادرت به اعتصاب نمودند. کانال تلگرامی سندیکای هفت تپه در اطلاعیه کوتاهی که بلافاصله پس از شروع اعتصاب منتشر کرد خواسته های اعتصابیون را: "خروج فوری کارفرمای خلع ید شده و محاکمه مختلسین و پرداخت فوری حقوق معوقه همه همکاران" اعلام نمود. گفتنی است که مالک اختلاسگر خلع ید شده هفت تپه بعد از خلع ید با پرداخت نکردن دستمزدها و کاهش مدت قرار دادها و اقداماتی از این دست شروع به انتقامجویی از کارگران نموده است و دامنه آزار و اذیت خود علیه کارگران را به حدی بالا برد که آنها را وادار به اعتصاب کردند. در این میان مسئولین دولتی نیز با بی توجهی به شکایات کارگران، کارفرما را همراهی و حمایت کردند. این در حالی است که اقدامات کارفرما خلاف قوانین موجود است و مسئولین دولتی و بخصوص ادارات کار وظیفه دارند مانع اقدامات خلاف قانون اسد بیگی شوند.

تجمع اعتراضی کارگران نانوايي ها در مشهد

کارگران نانوايي های مشهد در ۲۰ تیر ماه در اعتراض به ثابت ماندن دستمزدهای شان از سال ۹۸ تا کنون و فشار های معیشتی در مقابل استانداری شهر مشهد تجمع و خواستار افزایش دستمزدهای خود شدند. ایلنا به نقل از کارگران شرکت کننده در تجمع اعتراضی کارگران نانوايي ها نوشت: نرخ تورم روندی افسار گسیخته دارد و قیمت اجناس مصرفی سبد خانوار در طول دو سال گذشته، چندین برابر افزایش یافته اما دستمزد از سال ۹۸ تا به امروز هیچ تغییری نکرده است. گذراندن معیشت با سطح دستمزد فعلی و قیمت کالاها میسر نیست. "گفتنی است که کارفرمایان نانوايي ها سالهای متمادی به بهانه بالا بودن هزینه پخت نان از افزایش دستمزد کارگران شان طفره می رفتند. این رفتار در حالی علیه کارگران اعمال می شود که قیمت نان طی این مدت مجموعاً بیش از صد درصد افزایش یافته است. کارفرمایان چیزی را که برای خودشان روا می دانند، همان را برای کارگران شان روا نمی دانند! قضیه بهمین سادگی است.

تجمع اعتراضی بازنشستگان در رشت و اهواز

بازنشستگان و مستمری بگیران شهرهای رشت و اهواز در ۲۰ تیرماه بطور همزمان در این دو شهر تجمع و خواستار افزایش حقوق های خود شدند. بازنشستگان معترض در این دو تجمع خواسته های خود را لحاظ کردن ۴۰ درصد تورم سه ماهه گذشته در حقوقهای بازنشستگی خود و:

اجرای ماده ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی برای از کارافتادگان و بازماندگان و رساندن حقوق آنها به حداقل بگیر ۳۰ سال، پرداخت ۲۵ درصد باقی از متناسب سازی مرحله دوم، رفع تبعیض بین بازنشستگان همکار و غیرهمکار، پرداخت حق ایثارگری به بازنشستگان ایثارگر تامین اجتماعی، پرداخت حق اولاد و عائلهمندی به بازنشستگان خواهر و در نظر گرفتن حق عائلهمندی برای افرادی که همسر فوت کرده و یا طلاق داده دارند، اجرای قانون الزام درمان، پرداخت مابه الفاوت فروردین ماه ۱۴۰۰، اصلاح حقوق پایه بازنشستگان سالهای ۹۷ و ۹۸ بر اساس متناسب سازی مرحله دوم و اجرای سه جانبه گرایي در ارکان سازمان تامین اجتماعی از دیگر خواسته های معترضان است."

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری کوت عبدالله در کارون

کارگران شهرداری کوت عبدالله برا چندمین بار در ۲۲ تیر ماه مقابل فرمانداری شهر کارون تجمع کردند. کارگران معترض که هنوز دستمزدهای دو ماه آخر سال گذشته شان را دریافت نکرده اند و دستمزدهای سه ماه امسال آنها نیز بطور کامل به آنها پرداخت نشده است، گفتند که درب فرمانداری به روی آنها بسته شده. در واقع کارفرما که یک شرکت پیمانکاری است هر جور که میل اش می کشد با کارگران رفتار می کند و تا آنجا پیش می روند که از پرداخت به موقع دستمزدهای ناچیز کارگران زحمتکش هم خودداری می کند و با این رفتار بیشرمانه رنج دشواری تامین معیشت را بر خانواده های کارگری تحمیل می کند. اما مسئولین دولتی در مقابل این ظلم ها سکوت و درب ادارات را به روی کارگرانی که تنها حق قانونی خود را طلب می کنند می بندند.

تجمع اعتراضی کارگران مخابرات روستایی در مشهد



در ۱۹ تیرماه کارگران مخابرات روستایی استان در اعتراض به تبعیضات مزدی و شغلی بین کارگران مخابرات روستایی با سایر کارکنان مخابرات و عدم اجرای طبقه بندی طی سالهای متمادی تجمع و خواستار عملی کردن مطالبات خود و پرداخت مابه التفاوت حق طبقه بندی از سال ۹۴ به این سو شدند. گفتنی است که کارگران مخابرات روستایی به رغم انجام کار مشابه با دیگر همکاران خود در مخابرات شهری دستمزد کمتری می گیرند و از بعضی امتیازات شغلی و مزایای مزدی که به همکاران شان می دهند و به آنها نمی دهند ناراضی و معترض اند.

اعتصاب کارگران نواحی هشتگانه شهرداری اهواز

کارگران خدماتی و اجرائیات نواحی هشتگان شهرداری اهواز در ۲۲ تیر در اعتراض به بخشنامه ای که اکثر کارگران شهرداری را که کمتر از فوق دیپلم سواد دارند از تبدیل وضعیت استخدامی شان محروم می کند، اعتصاب و سپس در مقابل ساختمان های استانداری و شهرداری تجمع کردند.

این اعتصاب به دنبال بخشنامه وزارت کشور که شرط شرکت در آزمون استخدامی را داشتن لیسانس و فوق پیلیم اعلام کرده بود توسط کارگرانی که مدرک تحصیلی زیر فوق دیپلم دارند شروع شد. کارگران می گویند تعیین این شرط بین ۴۰۰ الی ۵۰۰ کارگر را که سواد کمتر ولی سابقه کاری بیشتری دارند را ضایع می کند و مانع تبدیل وضعیت استخدامی آنها که پیمانی هستند می شود. گفتنی است که با تبدیل وضعیت دستمزد و مزایای مزدی کارگران و شرایط شغلی شان بهتر می شود. در واقع اصل اعتراض بر سر دستمزد است.

کارکنان اورژانس در عسلویه نیز اعتصاب کردند

کارکنان پایگاههای اورژانس مستقر در عسلویه، چاه مبارک و نخل تقی، در ۲۱ تیر ماه به دلیل پرداخت نشدن مطالبات مزدی دو ماه گذشته شان و تمدید نکردن قراردادهای تعدادی از کارکنان پیمانی شاغل در پایگاه ها اعتصاب کردند. گفته می شود بعد از اعتصاب سه پایگاه اورژانس در حال حاضر تنها یک پایگاه همچنان به فعالیت اش ادامه می دهد که به هیچ وجه جوابگوی نیازهای روزانه این منطقه صنعتی حادثه خیز نیست.

بیانیه جمعی دانشجویان در همبستگی و حمایت از کارگران نفت و پتروشیمی

امروز فریاد دادخواهی طبقه کارگر از هر طرف شنیده می شود. مناسبات ضداجتماعی موجود و سازوکارهای ناعادلانه اعتراض بخش وسیعی از جامعه را به دنبال داشته است، تجمع منافع در دست گروه های خاص منجر به بی بهره گی طبقه عام شده است. کارگران زحمتکش نفت و پتروشیمی در جای جای این سرزمین از چنین رویه های نابخردانه ای که نتیجه ای جز فرسایش منابع و منافع عمومی ندارد خشمگین هستند و این تکاپو و ایستادگی آن ها صدای رسای حقیقت و جستن عدالت است.

ما دانشجویان جای جای این سرزمین به ایستادگی کارگران باور داشته و خود را فرزندان همین طبقه و بخشی از آنان می دانیم. بنابراین ضمن بیان همبستگی خود، با چشمی بینا و نگران و با واکاوی زمینه های موجود تاکید می کنیم که نفوذ خصوصی سازی و به حراج گذاشتن منابع و نیروی کار مردمان این سرزمین ضربات جبران ناپذیری به بخش های گوناگون جامعه و به کارگران زده است و حیات جمعی را به خطر انداخته است. همچنان که دانشگاه و فضاهای آموزشی نیز از گزند این هجوم در امان نبوده اند و پولی سازی آموزش و محیط های وابسته به آن، حق آموزش همگانی و رایگان را به طور جدی خدشه دار کرده است. آشکار است که رویه های موجود باعث افزایش تضاد منافع در جامعه شده است و چهره جامعه را به سان مردمی تکیده و رنج کشیده درآورده است، در حالی که گروه هایی برخوردار به اقلیتی تبدیل شده اند که با انباشت سوداگرایانه روزبه روز جامعه را فقیرتر می کنند.

از این رو ما دانشجویان خواسته هایی مانند مهار گسترش هولناک خصوصی سازی ها و پیمانکاری ها، حق داشتن تشکل مستقل، افزایش دستمزدها به شکلی که با واقعیت زندگی مطابقت داشته باشد، پرداخت معوقات مزدی کارگران و پرداخت به موقع دستمزد، بهبود شرایط کار از جمله زمان بندی عادلانه آن، محکوم کردن اخراج کارگران و درخواست بازگشت به کار کارگران اخراج شده، محکوم کردن برخورد قضایی با کارگران معترض به بی عدالتی، ایجاد امنیت شغلی



و حذف قراردادهای موقت و ظالمانه، برخورداری از حق همگانی مسکن، امکانات آموزشی، درمانی و رفاهی را برحق و تحقق آن را ضرورتی فوری و انکارناشدنی می‌دانیم.

با آرزوی جهانی عادلانه‌تر

همگامان شما در جای‌جای کشور

این خاصه خرجی‌ها از برکات همین اعتصاب است!

خبرگزاری ایلنا امروز (۲۴ تیر ماه) خبر از افزایش وام "مسکن بازنشستگان و کارکنان نفت به ۵۵۰ میلیون تومان) داد، هر چند که این جور تصمیمات و انتشار خبر آن به احتمال قوی برای تاثیر گذاشتن روی اعتصاب سراسری کارگران نفت باید صورت گرفته باشد، با این همه این خود بدون تردید از برکات همین اعتصاب است. چرا که دولتمردان قبل از این اعتصاب که حالا به رغم تمام ترفندها و اقدامات اعتصاب شکنانه آنها و عوامل شان محکم و استوار ادامه و گسترش یافته و تا امروز حداقل ۱۱۰ شرکت به آن پیوسته اند مطلقاً از این خاصه خرجی‌ها نمی‌کردند! اگر نشانه‌های بارز عقب نشینی‌های کارفرمایان در مقابل این اعتصاب را با این گونه وعده‌ها در کنار هم قرار دهیم، در خواهیم یافت که اعتصاب همچنان موثرترین و کارآمدترین وسیله طبقه کارگر برای دفاع از دست آوردهای مبارزاتی و رسیدن به خواسته‌های برحق اش است. اعتصاب هر چه وسیعتر، متحدانه‌تر و دارای رهبری آگاه‌تر و استوارتری باشد مسلماً دست آوردهای بیشتری برای کارگران خواهد داشت. بهمین خاطر است که مقامات حکومت و سرمایه‌داران حاکم طی همه سالهای زمامداری شان با انواع ترفندها کوشیده‌اند برای خلع سلاح کردن ما حق اعتصاب و تشکل را از ما بگیرند. با این همه ما پیروز خواهیم شد. چه گواهی قوی‌تر از همین اعتصاب و همین شورایی که نقش رهبری آن را تا کنون مدبرانه به عهده داشته است!

زنده باد اعتصاب و اتحاد!!

با تمام امکانات از اعتصاب سراسری کارگران شرکتهای پیمانکاری‌ها در صنعت نفت حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی‌دستان و آسیب‌دگان کرونا را تامین

کند!